

پیام پنج

توانایی طبیعی در مقابل توانایی رستاخیز کرده
بلوغ حیات
برای بناسازی کلیسا
به عنوان بدن ارگانیک مسیح

مطالعه متون مقدس: ۱ پادشاهان ۳: ۱؛ ۱۱: ۱-۸؛ یوشع ۹: ۱۴؛
۱ قرن‌تین ۱: ۲۴، ۳۰؛ اشعیا ۴۵: ۱۵؛ ۳۷: ۳۱؛ متی ۶: ۶

۱. سلیمان انسانی با حکمت و با معرفت شد (۲ تواریخ ۱: ۱۰؛ ر.ک. کولسیان ۲: ۲-۳)؛ با این حال، چون او زنان بت پرست بسیاری گرفت و بت های آنها را پرستید و مکان هایی برای مردم جهت پرستش بت ها ساخت، او حکمت خدادادی و معرفت خدادادی خود را از دست داد؛ او بسیار نادان شد و به پادشاهی خود آسیب رسانید (۱ پادشاهان ۳: ۱؛ ۱۱: ۱-۸):

آ. داوود، پدر سلیمان، انسانی بر طبق قلب خدا، در همین گناه ناخوشایند و زشت پرداختن به شهوت خود شکست خورد (۲ سموئیل ۱۱)؛ شکست سلیمان در این وسوسه شیطانی، بسیار بزرگتر از [شکست] پدرش بود؛ سقوط او، در پرداختن به شهوت خود توسط دوست داشتن زنان خارجی بسیار (۱ پادشاهان ۱۱: ۱-۳)، در ترک خدا، که دوبار بر او ظاهر شد (آ. ۹ب)، و در پرستش بت های غیریهودیان از طریق وسوسه زنان خارجی که دوستشان داشت (آ. ۴-۸)، بود.

ب. سلیمان هفتصد زن و سیصد کنیز داشت (آ. ۳)؛ برای برآورده کردن خواست آنها، او مکان های بلندی ساخت. زنان او «دل او را برگردانیدند» (آ. ۴)؛ «سلیمان از پی عشتوریت، الهه صیدونیان، و در عقب ملکوم خدای منفور عمونیان رفت» (آ. ۵).

پ. «سلیمان بر کوهی در شرق اورشلیم، مکانی بلند برای کیموش خدای منفور موآبیان و برای مولک خدای منفور عمونیان بنا کرد» - آ. ۷:

۱. در طول سلطنت سلیمان، معبد در اورشلیم ساخته شد، و جلال خداوند معبد را پر کرد؛ عصر بنای معبد، دوران طلایی در تاریخ فرزندان اسرائیل بود - ۸: ۱۰-۱۱.

۲. مکان منحصر به فرد، اورشلیم، دلالت بر یگانگی دارد، در حالی که مکان های بلند حاکی از تفرقه است؛ همانطور که تمام چیزهای شیرین و مکروه به برپا کردن مکان های بلند مربوط بود، پس در اصطلاح عهد جدید، هرگونه شرارت به تفرقه مربوط است - ۱ قرن‌تین ۱: ۱۰ و زیرنویس ۳.

۳. قابل توجه است که سلیمان، همان کسی که معبد را بر طبق خواست خدا

بر زمین یگانگی مردم خدا بنا کرد، پیشگام شد تا یک بار دیگر مکان های بلند را بسازد - ۱ پادشاهان ۱۱: ۶-۸.

ت. این امر باعث شد که نسل او بیش از نود درصد از پادشاهی خود را از دست بدهند، و باعث شد که برگزیدگان خدا در میان خود، در طول چندین نسل دچار تفرقه و اغتشاش شوند؛ سرانجام، آنها سرزمین خدادادی را از دست دادند و در سرزمین های بیگانه بت پرستی اسیر شدند.

ث. ملت اسرائیل هنوز به دلیل شکست سلیمان در رنج است؛ این چه هشدار و زنگ خطری باید برای ما باشد! ما باید مراقب باشیم؛ حتی یک شکست کوچک در پرداختن به شهوت می تواند به زندگی کلیسایی آسیب برساند و جوانب شکوهمند زندگی کلیسایی را از بین ببرد.

ج. بنابراین، حتی در کوچکترین مورد باید مراقب باشیم؛ ما باید در همه چیز بر طبق روح رفتار کنیم (رومیان ۸: ۴؛ ر.ک. زکریا ۴: ۸-۱۰)؛ مردم خدا باید به همراه او زندگی کرده، همیشه به او تکیه کنند و با او یک باشند (یوشع ۹: ۱۴؛ ۲ قرنتیان ۶: ۱؛ ۱ قرنتیان ۳: ۹؛ متی ۱: ۲۳).

چ. مرگ سلیمان در ناامیدی غم انگیزی بود (۱ پادشاهان ۱۱: ۴۰-۴۳). جلال او مانند گل علف افتاد (متی ۶: ۲۹؛ ۱ پطرس ۱: ۲۴)، و شغل شکوهمند او تبدیل به «باطل اباطیل»، همانگونه که او موعظه کرده بود، شد (جامعه ۱: ۲).

۲. ما باید شکست سلیمان را تحت نور حیات روحانی ببینیم:

آ. سلیمان مردی عاقل بود ولی مرد روحانی نبود؛ مردی توانمند بود، ولی مرد حیات نبود. مسرت او از سرزمین نیکوی خدادادی، از طریق عطیه خدادادی او، به بالاترین مرحله رسید؛ ولی به دلیل میزان کوچکی که در بلوغ حیات روحانی داشت، از مسرت سرزمین نیکو در اقتصاد خدا، به دلیل خودسری او در پرداختن به شهوت خود، حذف شد - ۱ قرنتیان ۲: ۱۴-۱۵؛ ۳: ۱، ۳.

ب. حکمت خدادادی سلیمان او را در روزگارش در جهان بزرگ کرد؛ ولی حکمت او مطلقاً در قلمرو جسمانی، و بدون هیچ عنصر روحانی بود. حکمت او سایه ای از حکمت واقعی که قرار بود بیاید بوده، و کاملاً متفاوت از حکمت پولس بود - ۱: ۲۴، ۳۰.

پ. حکمت پولس حکمتی روحانی درباره اینکه مسیح خانه خود را در دل های ما می سازد (افسیان ۳: ۱۷)، درباره رفتار و وجود ما مطابق روح (رومیان ۸: ۴)، و درباره آن دو روح - روح الهی و روح انسانی - که به عنوان یک روح با هم آمیخته شده اند (آ. ۱۶؛ ۱ قرنتیان ۶: ۱۷)، بود.

ت. اسرار اقتصاد خدا عمدتاً برای پولس فاش شد (کولسیان ۲: ۲؛ افسسیان ۳: ۳-۵، ۱۰-۹)؛ امروز، اگر بخواهیم بالاترین حکمت عالم را بشناسیم، باید وارد

شفاف-سازی حقایق در رساله های پولس شویم؛ حکمت واقعی خداست که در مسیح تجسم یافته است، همان کسی که حکمت ما شده تا در ما باشد و ما را با خدا یک کند و ما را در حیات و در طبیعت، اما نه در هستی خدا، خدا کند . از این رو، ما تبدیل به شاهکار خدای سه-یکتا، شعر او می شویم که حکمت بی کران و طرح الهی او را به نمایش می گذارد (۱ قرننیاں ۱: ۲۴، ۳۰؛ افسسیان ۲: ۱۰؛ ۳: ۹-۱۱).

۳. سلیمان مردی سرشار از توانایی های طبیعی بود، اما مرد حیات نبود، مردی که حکمتش یک عطیه بود، نه میزان حیات؛ مشاغلی که او به دست آورد، شواهدی از ظرفیت او از عطیه خدادادی حکمت بود، نه اظهارات توانایی بلوغ حیات - عبرانیان ۶: ۱؛ کولسیان ۱: ۲۸-۲۹؛ فیلیپیان ۳: ۱۲-۱۵:

آ. ما باید تفاوت بین توانایی طبیعی خود و توانایی-ای که از مرگ و رستاخیز عبور کرده را ببینیم؛ ما باید به ناتوانی، نارسایی وجود طبیعی و توانایی طبیعی خود در چیزهای خدا، پی ببریم - اعمال ۷: ۲۲؛ خروج ۳: ۲-۳، ۱۴-۱۵؛ ۱ قرننیاں ۲: ۱۴؛ فیلیپیان ۳: ۳-۹؛ ۲ قرننیاں ۳: ۵-۶.

ب. ما نباید در امور خدا به وجود طبیعی خود اعتمادی داشته باشیم؛ بلکه باید بیاموزیم که وجود طبیعی خود را رد کنیم و روح خود را در همه چیز برای بنا سازی ارگانیک بدن مسیح بکار ببریم - فیلیپیان ۳: ۳؛ رومیان ۸: ۴؛ ۱ تیموتائوس ۴: ۷. پ. در بازیابی خداوند هیچ جایی برای وجود طبیعی ما نیست؛ کلیساها در بازیابی خداوند، به عنوان بخش هایی از بدن زنده مسیح، به طور خود بخود هر چیزی که طبیعی است را رد می کنند - ۱ قرننیاں ۱۲: ۱۲-۱۳.

ت. در بنای کلیسا، قبل از اینکه بتوانیم با هم بیوندیم، هر چیز طبیعی در ما باید شکسته شود؛ ما فقط پس از شکسته شدن در وجود طبیعی خود، می توانیم بنا شویم - سرود ۸۳۷، بند ۶ و ۷.

ث. توانایی طبیعی ما خود محور است و باعث غرور ما شده، به خودستایی و تجلیل خود منجر می شود؛ توانایی رستاخیز کرده مغرور نیست و به خود افتخار نمی کند - ر.ک. کولسیان ۱: ۱۷، ۱۸؛ فیلیپیان ۳: ۳؛ ۲ قرننیاں ۱۲: ۹.

ج. توانایی طبیعی خودخواهانه است، و تمام نقشه ها و وسایل آن، بدون توجه به خواست خدا، به خاطر خود است؛ توانایی رستاخیز کرده برای اراده خدا بوده، شکسته-شده است و برای خود نیست و عنصری از خود [نفس] ندارد - ر.ک. متی ۱۶: ۲۴.

چ. توانایی طبیعی باعث اتکا به خود و اعتماد به نفس می شود، خودسر عمل می کند و باعث می شود به خودمان تکیه کنیم نه به خدا؛ توانایی رستاخیز کرده به خدا متکی است و هر چند برآستی قادر و تواناست، جرأت عمل بر طبق خود را ندارد.

- توانایی رستاخیز کرده تحت کنترل روح القدس است و جرأت نمی کند مطابق میل خود عمل کند - ر.ک. ۲ قرن‌تیاں ۱: ۸-۹؛ ۴: ۶-۷؛ ۱۲: ۷-۹.
- ح. توانایی طبیعی عنصر الهی ندارد، جوای جلال خود است و خواسته های خود را راضی می کند؛ آن با عناصر جسم و خلق مخلوط شده است؛ بنابراین، هنگامی که تأیید نمی شود، تحریک می شود. توانایی رستاخیز کرده بدون جسم است - ر.ک. ۱ تسالونیکیان ۲: ۴.
- خ. توانایی طبیعی موقتی است و قادر به مقاومت در برابر آزمون ها، شکست ها یا مخالفت ها نیست؛ توانایی رستاخیز کرده پدر را ستوده، اراده پدر را تصدیق می کند - متی ۱۱: ۲۰-۲۶؛ یوحنا ۲: ۱۹؛ اعمال ۲: ۲۴.
- د. کسانی که بر طبق توانایی طبیعی خدمت می کنند، خواهان پاداش یا قدردانی از سوی دیگران هستند؛ کسانی که بر طبق توانایی رستاخیز کرده خدمت می کنند، مایل به بدست آوردن مسیح بوده و مصمم هستند افتخار خشنود ساختن او را کسب کنند - فیلیپیان ۳: ۸؛ پیدایش ۱۵: ۱؛ عبرانیان ۱۱: ۵-۶؛ ۲ قرن‌تیاں ۵: ۹.
- ذ. توانایی طبیعی دوست دارد خودش را نشان دهد، توسط انسان شناخته شود، و در حضور انسان اجرا شود؛ توانایی رستاخیز کرده دوست دارد کارها را در نهان انجام دهد تا با «خدایی که خود را پنهان می کند» یک باشد و «به پایین ریشه خواهند زد و به بالا میوه خواهند آورد» - اشعیا ۴۵: ۱۵؛ ۳۷: ۳۱؛ متی ۶: ۴، ۶، ۱۷-۱۸.
- ر. توانایی و ظرفیت طبیعی جدا از حیات، مانند مار است که مردم خدا را مسموم می کند؛ حیات مانند یک کبوتر بوده، مردم خدا را با حیات تأمین می کند و باعث می شود ما به شخصی تبدیل شویم که در انسانیت خود، خدای بخشنده را در صفات غنی او از طریق خواص معطر او بیان می کند؛ حیات باعث می شود که ما مانند سوسنی شویم که از خارها می روید و مانند ستاره ای درخشان شویم که در شب تاریک می درخشد - ر.ک. خروج ۴: ۱-۹؛ متی ۳: ۱۶-۱۷.
- ز. هرگاه مردم سعی می کنند توانایی طبیعی خود را به کلیسا آورند، واقعیت کلیسا از دست می رود؛ فقط آنچه از مرگ و رستاخیز عبور می کند را می توان به داخل کلیسا آورد - ۱ قرن‌تیاں ۳: ۱۶-۱۷.
۴. آن چهل و یک پادشاه اسرائیل و یهودا در بالاترین مقام بودند، ولی نسبت به مسرتشان از سرزمین نیکو، مراقب نبودند؛ حتی داوود از سرزمین نیکو به طور کامل مسرت نبرد؛ ما باید مثال آنها را به خودمان اعمال کنیم:
- آ. ریشه شرارت پادشاهان شرور، مانند شرارت مردم اسرائیل، ترک خود خدا به عنوان سرچشمه آب های زنده و روی گرداندنی آنها به سوی بت های مشرک به عنوان آب انبارهای شکسته ای که آب در خود نگه نمی دارند بود؛ این دو شرارت، آنها را در آب های مرگ بت پرستی و افراط در امیال غرق کرد - ارمیا ۲: ۱۳.

- ب. ما امروزه پادشاهانی هستیم که توسط دریافت فراوانی فیض و عطای عدالت، با مسیح در حیات سلطنت می کنیم (رومیان ۵: ۱۰، ۱۷)؛ ما باید تلاش کنیم تا الگوی پولس رسول را دنبال کنیم، که می توانست اعلام کند که با مسیح مصلوب شده بود و دیگر او زندگی نمی کرد اما مسیح در او زندگی می کرد (غلاطیان ۲: ۲۰)؛ او گفت که مسیح را با دریافت تأمین فراوان روح عیسی مسیح، تأمین بدن (فیلیپیان ۱: ۱۹-۲۱)، برای تجلیل او [مسیح] زندگی می کرد.
- پ. در رستاخیز، مسیح به عنوان تکامل خدای سه-یکتا تبدیل به روح حیات بخش شد (۱ قرن تیان ۱۵: ۴۵ ب)؛ این روح الهی و شامل تمام وارد روح ما می شود و با روح تولد تازه یافته ما آمیخته، باعث می شود که خدا و انسان، انسان و خدا در روح آمیخته با هم یکی شوند؛ این دو روح اکنون به عنوان یک موجودیت با هم آمیخته شده اند (۶: ۱۷؛ رومیان ۸: ۱۶).
- ت. امروزه خدای روح، همان روح شامل تمام، روح مرکب، روح مسح کننده، روح آشکار کننده، و روح تکمیل شده به عنوان تکامل خدای سه-یکتای پروسه دیده، است - فیلیپیان ۱: ۱۹؛ خروج ۳۰: ۲۲-۲۵؛ ۱ یوحنا ۲: ۲۷؛ ۱ قرن تیان ۲: ۱۰؛ مکاشفه ۲۲: ۱۷.
- ث. در بازیابی خداوند امروزه، ما باید توجه کامل خود را به روح آمیخته، یعنی آن روح که با روح ما آمیخته است، جلب کنیم، و باید در و بر طبق این روح آمیخته زندگی کرده، گام برداریم و وجود داشته باشیم، تا بتوانیم براسستی در حیات سلطنت کنیم (رومیان ۸: ۴؛ ۵: ۱۰، ۱۷). این روح آمیخته، آغاز بدن مسیح بوده و در اورشلیم نو تکامل خواهد یافت (افسیان ۱: ۱۷؛ ۲: ۲۲؛ ۳: ۵، ۱۶؛ ۴: ۲۳؛ ۵: ۱۸؛ ۶: ۱۸؛ مکاشفه ۲۱: ۱۰).